

مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری فالگیری و رمالی در فضای مجازی

روح الله آهنگران

دانشجوی دکتری فقه و اصول حوزه علمیه قم.

نام نویسنده مسئول:

روح الله آهنگران

چکیده

اگرچه ادیان الهی و اولیای خدا، کوتاه ترین و مطمئن ترین مسیر را برای رسیدن انسان به مراتب عالی معرفت و اتصال به خداوند قرار داده‌اند؛ اما همواره به موازات این راه روشن، گروهی با توسل به برخی علوم خاص سعی در کشف حقایق ماورائی نموده‌اند. علمای اسلامی از این علوم با عنوان علوم غریبه یاد می‌کنند و همواره در خصوص ماهیت، کار کرد، حکم بکارگیری آن در زندگی و جایگاه آن در استنباط احکام بین علما بحث های دامنه داری انجام گرفته است. بخش عمده‌ای از رمال‌ها با کوچ کردن به فضای مجازی، قربانیان خود را با راه‌اندازی سایت‌ها و پیج های مختلف در شبکه های اجتماعی انتخاب می‌کنند. آنها به کمک تکنولوژی و دسترسی آسان به اینترنت، در دنیای مجازی با ادعاهای واهی و طرح رابطه با اجنه و غیره به کسب درآمد می‌پردازند. با توجه به اینکه رمالی سنتی و رمالی مجازی با هم فرقی ندارند و در هر دو حال متهم مرتکب انجام جرم شده است، از این رو هرکس فردی را با وعده واهی به موضوعی امیدوار یا از امری واهی بترساند و از این طریق از او پول یا امکانات خاصی دریافت کند، مرتکب کلاهبرداری شده و مطابق قانون مجازات خواهد شد. باید گفت، هرکس فردی را با وعده واهی به موضوعی امیدوار یا از امری واهی بترساند و از این طریق از او پول یا امکانات خاصی دریافت کند مرتکب کلاهبرداری شده و مطابق قانون مجازات خواهد شد. باید گفت چنانچه استفاده از این علوم منجر به بردن مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه شود تحت عنوان جرم کلاهبرداری بر اساس ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری سال ۶۷ قابل محاکمه می‌باشد.

واژگان کلیدی: فالگیری، رمالی، فضای مجازی، کلاهبرداری.

مقدمه

اگرچه ادیان الهی و اولیای خدا، کوتاه ترین و مطمئن ترین مسیر را برای رسیدن انسان به مراتب عالی معرفت و اتصال به خداوند قرار داده‌اند؛ اما همواره به موازات این راه روشن، گروهی با توسل به برخی علوم خاص سعی در کشف حقایق ماورائی نموده‌اند. علمای اسلامی از این علوم با عنوان علوم غریبه یاد می‌کنند و همواره در خصوص ماهیت، کارکرد، حکم بکارگیری آن در زندگی و جایگاه آن در استنباط احکام بین علما بحث های دامنه داری انجام گرفته است. علوم غریبه به دانش هایی اطلاق می‌شود که موضوع آنها نیروهای فوق طبیعی، پوشیده و اسرار آمیز است؛ علمی مانند: سحر، رمل، جفر، تسخیر روح و جن و... با این حال اگرچه از قدیم الایام سوء استفاده از علوم غریبه در میان جوامع اسلامی موجود بوده است لکن امروزه این قضیه به اوج خود رسیده و با نگاهی گذرا می‌توان افرادی را دید که با سوء استفاده از این علوم کلاهبرداری های فراوانی انجام می‌دهند. باید گفت اگر چه رمالی، جادوگری و سرکتاب باز کردن در قانون فعلی جرم محسوب نمی‌شود اما با استفاده از قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری با این افراد می‌توان به عنوان کلاهبردار برخورد نمود. قضات دادگاه‌های کیفری معمولاً افراد متهم به رمالی و فالگیری را با استفاده از قوانین مربوط به کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع مجازات می‌نمایند. باید گفت، بخش عمده‌ای از رمال‌ها با کوچ کردن به فضای مجازی، قربانیان خود را با راه‌اندازی سایت‌ها و پیج های مختلف در شبکه های اجتماعی انتخاب می‌کنند. آنها به کمک تکنولوژی و دسترسی آسان به اینترنت، در دنیای مجازی با ادعاهای واهی و طرح رابطه با اجنه و غیره به کسب درآمد می‌پردازند. با توجه به اینکه رمالی سنتی و رمالی مجازی با هم فرقی ندارند و در هر دو حال متهم مرتکب انجام جرم شده است، از این رو هرکس فردی را با وعده واهی به موضوعی امیدوار یا از امری واهی بترساند و از این طریق از او پول یا امکانات خاصی دریافت کن، مرتکب کلاهبرداری شده و مطابق قانون مجازات خواهد شد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در جرم‌انگاری فالگیری و رمالی در فضای مجازی خواهیم داشت.

۱- مفاهیم**۱-۱ رمل**

«رمل به معنی رنگ است و نیز علمی است یافت شده توسط دانیال نبی علیه السلام که جبرئیل (علیه السلام) آن را نقطه چند بنمود و موضوع آن اشکال شانزده گانه است و عرض آن وقوف بر احوال عالم است و صاحب این علم رمال نامیده می‌شود» (تهانوی، ۱۹۶۷: ۵۸۷). برخی بیان نموده‌اند: «رمل علمی است که بحث از مجهولات می‌کند با خطوطی که به رمل نوشته می‌شود» (تهانوی، ۱۹۶۷: ۵۸۷) در انوار الفیاض آمده: «علمی است مبتنی بر اشکال خاصی و برای هر شکلی معنایی است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۴۳۳) و برخی گفته‌اند: «رمل عبارتست از علم به نقاط که بوسیله ترکیب آنها و تحصیل شانزده شکل بدست می‌آید» (ذهنی شیرازی، ۱۳۶۴: ۴۱).

۲-۱ فالگیری

«امروزه افراد زیادی در سطح جامعه از بی سواد تا تحصیل کرده در گیر فالگیری هستند و حتی این موضوع در بین مردان نیز رواج پیدا کرده است. اگرچه صفحات روزنامه و مجلات سرشار از پرداختن به این موضوع است اما تاکنون پژوهش و مطالعه‌ای منسجم و علمی در این زمینه انجام نشده است». مفاهیم فالگیری به صورت زیر دسته‌بندی می‌گردند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۵۷):

فالگیرها: این گروه شامل طیف گسترده ای از دو گروه «فالگیران حرفه ای» (آنها که مزد می‌گیرند و به نام فالگیر شناخته شده هستند)، و فالگیران غیر حرفه ای» (کسانی که فنون فالگیری را می‌دانند و گاه و بیگاه برای دوستان و آشنایان یا خودشان فال می‌گیرند). مشتریان فال: این گروه نیز طیف بسیار وسیعی از کسانی را که از روی اعتقاد «یا به دلیل «حل مشکل» و رفع یک نیاز و گروهی که صرفاً برای تفریح و سرگرمی فال می‌گیرند، شامل می‌شود.

ابزارها، اشیاء و مواد فالگیری: اشیاء و نمادهای فالگیری بسیار متنوع است. در واقع شی تنها نقش نمادین در فرایند فالگیری دارد. از این رو هر چیزی از ستارگان آسمان تا ریگ بیابان می‌تواند ابزاری برای این امر باشد. در جوامع مختلف چیزهای متفاوتی بکار می‌برند.

۲- حکم فقهی رمل و فالگیری

ذهنی تهرانی در مورد رمل بیان داشته: «یکی از علومی که خداوند منان آن را اختصاص به انبیاء و اولیاء خود داده و بعد به عده معدودی از افراد به عنوان مشت نمونه خروار اعطاء فرموده است؛ علم صحیح رمل می‌باشد و چنانچه از ابن عباس نقل شده این علم از جمله معجزات هفت تن از انبیاء عظام (آدم، شیث، ادریس، لقمان، شعیه ارمیا و دانیال علیهم السلام) بوده است و این روایت منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: و «ألم تر أن الله جل ثناؤه أفاض على ادریس علماً ترملا و الهمة علم النقاط بفضلہ و

أوحی إليه كلما كان مشکلا» و از نظر فقهای عظام نیز از جمله علوم صحیحیه شمرده می شود و به عنوان شاهد بر این مدعی کلام مرتضی انصاری است که فرموده اند: « اما بعض العلوم الصحیحیه کالرمل و الجفر الخ» (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۳: ۳).

همانطور که اشاره شد مرحوم شیخ انصاری، در مکاسب رمل را از علوم صحیحیه دانسته است (شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۴۹) و در رسائل دارند که اگر کسی از راه رمل قطع پیدا کند، بر خود او واجب است به قطع خود عمل کند ولی برای دیگران جایز نیست در آن قطع از او تقلید کنند (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۴: ۴۱).

همچنین در مورد فالگیری باید گفت، در استفتائات کسب‌های حرام از آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی آمده است، رجوع به فالگیرها برای معالجه حرام است و پول گرفتن در برابر این کارها جایز نیست (پورتال رسمی رسیدگی به احکام).

۳- مبانی مسئولیت مدنی سوء استفاده از علوم غریبه

یک ساحر یا رمال یا جن گیر و... امکان دارد صرفا به دنبال سوء استفاده از طریق علوم غریبه باشد بدون آنکه از این طریق کسب درآمد نماید و اموال مردم را ببرد و این سوء استفاده نیز به جهت اغراض و به انگیزه‌های مختلفی صورت گیرد. از جمله سوء استفاده‌های جنسی و کسب شهرت و همکاری با سارقین و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران و... به عنوان مثال اگر کار رمال یا ساحر یا جن گیر یا به اصطلاح دعانویس به جهت همکاری با سارقین باشد به این شکل که اطلاعات منازل و محل کسب و اینکه چه اشیا در محل زندگی یا کسب افراد هست و راه‌های دسترسی به آن‌ها را از طریق سوالات متعدد از افراد به دست بیاورد و در اختیار سارقین بگذارد؛ در واقع عمل او اعانه بر اثم و همکاری به نحو معاونت بر سرقت می‌باشد و تحت همین عنوان اگر سرقتی انجام شود می‌تواند تحت پیگرد قرار گیرد و مجازات گردد و اگر از اموال سرقتی سهمی به او داده شود ملتزم است عین آن را اگر موجود است و در صورت نبود عین مثل یا قیمت آن را به مال باخته از باب قاعده‌ی ضمان و ید بپردازد.

همچنین در صورتی که ساحر یا رمال و مانند آنان از طریق علوم غریبه و به سبب آن به این شکل که زنان را به منزل خود دعوت نموده و با خواندن اورادی و با کمک گرفتن از اشکال و آلات مخصوص به سحر و رمالی و یا با خوردن موادی خواص یا هر مواد بیهوش کننده به زنانی که به منزل او آمده اند تا شخص از طریق علوم غریبه مشکل مادی یا معنوی آنان را حل کند تجاوز جنسی نماید، در این حالت شخص رمال یا ساحر تحت عنوان جرائم جنسی با انواع مختلفش اعم از حدی و غیر حدی قابل مجازات بوده و به استناد ماده‌ی (۶۵۸) قانون مجازات سال (۹۲) اگر تجاوز او منجر به ازالهی بکارت گردد و رضایت زن هم نباشد موجب ضمان مهر المثل است. همچنین به استناد تبصره‌ی ۲ همین ماده رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکره در حکم عدم رضایت می‌باشد و موجب ضمان مهرالمثل و نیز اگر تجاوز او منجر به افشاء زن و یا دختر گردد نیز به استناد ماده‌ی ۶۶۱ همان قانون موجب ضمان است که حسب موارد این ماده موجب مهرالمثل و دیه‌ی کامل و همچنین ارش البکاره است و قابل ذکر می‌باشد که دیه از یک ماهیت مدنی و کیفری هر دو برخوردار است و نیز اگر ساحر یا رمال صرفا به جهت کسب شهرت اقدام به استفاده از علوم غریبه نماید مادامی که مفسده‌ای بر کار او بار نشود نمی‌توان او را سوء استفاده کننده از این طریق قلمداد نمود و در صورتی که کار او منجر به مفسده‌ای و یا حرامی یا جرمی گردد به تناسب همان مفسده قابل پیگرد است (به طور مثال منجر به جدایی زن و مرد شود یا منجر به افسردگی و امراض روحی شود...)

در مورد مبنای مسئولیت مدنی در مورد علوم غریبه باید گفت:

مبنای مسولیت مدنی در باب اتلاف و تسبیب به نظریه‌ی خطر نزدیک می‌باشد آن هم خطر مطلق. بعضی از اساتید حقوق اظهار نظر کرده‌اند که مبنای مسولیت در حقوق اسلامی و ایران قاعده‌ی نفی ضرراست (بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). بعضی دیگر نظریه‌ی استناد عرفی را مبنای مسولیت تلقی کرده‌اند (باریکلو، ۱۳۸۷: ۵۲) به نظر می‌رسد از آنجا که فقها فرقی بین مبنای مسولیت در اتلاف و تسبیب قائل نشده‌اند همان صدق عرفی تلف مبنای مسولیت در فقه است. بنابراین صدق عرفی تلف برای مسولیت کافی می‌باشد و در واقع برای تحقق مسولیت وجود یا اثبات تقصیر شرط نیست بلکه اثبات ضرر و رابطه‌ی سببیت عرفی بین ضرر و فعل یا ترک فعل شخص برای مسولیت و مطالبه‌ی خسارت کافی می‌باشد. اثبات این نظر زیان دیده را از اثبات تقصیر که کاریست دشوار بی‌نیاز می‌نماید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۷۸). ماده‌ی ۹۵۳ قانون مدنی می‌گوید تقصیر اعم است از تفریط و تعدی. بنابراین اگر ساحر و رمال و مانند آن مالی را که در عوض مثلا بخت گشایی و پیدا کردن مال گمشده و دفع طلسم و دریافت کرده است را اتلاف و یا مسبب زوال آن گردد در صورتی که تلف عرفا صدق نماید و همچنین انتساب این تلف به ساحر یا رمال محرز باشد ضامن اتلاف آن است مثلا اگر گوسفندی را در عوض بخت گشایی از یک فرد روستایی، گرفته باشد در صورت وجود عین گوسفند همان را و در صورت تلف آن ضامن قیمت گوسفند می‌باشد؛ حتی اگر از شیر گوسفند استفاده کرده است در مدتی که پیش او بوده است ضامن آن نیز هست که در اصطلاح آن را منافع مستوفات می‌نامند.

در نتیجه باید گفت که سوء استفاده از علوم غریبه در انواع مصادیق آن حرام است و لذا درآمد حاصل از آن نیز درآمد نامشروع بوده و از مصادیق اکل مال بالباطل خواهد بود پس درآمد حاصله نامشروع و فاسد می‌باشد. لذا فرد متصرف در مال در واقع مالک مال متصرفه

نمی باشد و لذا ضامن مالی است که از طریق نامشروع آن را تصرف نموده است و بنابر قاعده ضامن باید آن مالی که در مقابل اخذ نموده است را اگر مال باقی باشد عین آن را و اگر باقی نباشد بدل آن را رد نماید تا ذمه او بازگردد.

۴- مبانی حقوقی کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

با توجه به اینکه رمالی و فالگیری جزء علوم غریبه محسوب می گردد لذا جهت مطالعه مبانی حقوق کلاهبرداری از این طریق سعی در بررسی عناصر قانونی، مادی و معنوی علوم غریبه به طور کلی خواهیم داشت، چرا که چنانچه اشاره شد این موارد جزئی از علوم غریبه هستند و ماده‌ی قانونی جداگانه‌ای در مورد آن دیده نمی‌شود. همچنین چنانچه پیش از این نیز اشاره شد، رمالی و فالگیری سنتی و مجازی تفاوتی با یکدیگر ندارند و مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات یکسان دارند لذا در این بخش با یاری گرفتن از پرونده‌های جدید و قدیم در این باب سعی در بررسی مبانی حقوقی این جرم خواهیم داشت.

۴-۱ عنصر قانونی کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

در بیان عنصر قانونی کلاهبرداری، ماده یک تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ « هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب می‌شود. باید به این مطلب اشاره کرد که در سوء استفاده از علوم غریبه افراد سود جو با توسل به وسایل تقلبی مانند ادوات سحر که از قبیل سنگ و استخوان و... می باشد موجب فریب افراد گردیده و مالی نیز در مقابل اجرت عمل خود می‌گیرند. بعنوان مثال پرونده ای در دادگاه صلح تهران با عنوان اینکه زنی بنام شکوفه رضا دوست، همسر یحیی فریور جاوید ساکن تهران که بنا به ادعای شوهرش سابقه بیماری روانی نداشته نزد دعانویس می‌رود. و از همان روز دچار اختلال روانی می‌شود. شوهرش او را نزد روانپزشک می‌برد و پس از بازگشت از نزد پزشک، شکوفه با موافقت شوهرش برای استراحت به منزل برادرش می‌رود و در ساعت ۱۱ شب، پس از خوابیدن افراد خانواده، نفت چراغ خوراک پزی را بر سر خود ریخته، به توالت منزل می‌رود و خود را آتش می‌زند و پس از حدود یک ربع ساعت که سوختگی به صد درصد می‌رسد، به حیاط خانه پریده و داد و فریاد و ناله سر می‌دهد که بلافاصله توسط برادر و همسایگان به بیمارستان سوانح سوختگی اعزام می‌گردد. در بیمارستان حال وی بسیار وخیم و در حالت اغماء بوده و در پاسخ با سؤالی که چرا خودت را آتش زدی، تنها توانست بگوید که در نتیجه خوردن دعایی که دعانویس به او داده بود، حالتش بشدت دگرگون شده و در همان حال، قصد انجام اعمال منافی عفت با وی را داشته است و پس از آن ماجرا احساس جنون می‌کرده است. بدنبال فوت این زن فرزند ۱۲ ساله وی بنام بهمن، بعنوان مطلع، اظهاراتی بیان داشت که ما حصل قسمتی از اظهارات او چنین است اسم این مرد را نمی‌دانم ولی او حدود دو ماه قبل دو مرتبه به فاصله یک هفته و هر دفعه به مدت تقریباً سه ساعت از ۹ الی ۱۲ بمنزل ما می‌آمد. او من و بچه دیگر را از اتاق بیرون کرد و گفت شما بیرون بروید تا شر شیاطین و جادو به شما اثر نکند، من از پشت شیشه، مخفیانه داخل اتاق را نگاه می‌کردم و دیدم که فالبین دستمالی را باز کرد که داخل آن مقداری استخوان و یک تکه از کفن و یک تکه از تابوت و یک قفل بود. او ربوروی مادرم نشسته بود. مادرم چادر به سر نداشت ولی روسری سرش بود. فال بین به دست‌های او و سینه اش دست می‌کشید و بعد گفت من اینها را می‌برم و دفن می‌کنم بعد از چند روز اگر قفل باز شد کارت درست می‌شود و اگر قفل بسته بود، تو فوت می‌کنی، و بعد کاغذی که عکس جن رویش بود، به مادرم داد و گفت آن را در آب بیانداز و به دستها و صورتت بکش و یک قطره نیز از آن بخور و مادر هم این کار را کرد که حالش بهم خورد. بنابه گفته این بچه رمال دفعه اول ۱۵۰ تومان و دفعه دوم ۳۵۰ تومان از متوفا پول گرفته است. شوهر زن در بازجویی اظهار داشت: شخصی بنام سید علی موسوی که فالگیر و دعانویس و همه کاره می‌باشد، در حدود ۵۰ روز قبل به خانه من آمد و اظهار داشت طالع بین هستم و آنگاه وارد خانه شد. و همسر را طلسم نمود و قصد تجاوز به وی را داشت که باعث شد بعد از ۴ روز خانمم خودش را آتش زد و در اثر آتش سوزی فوت نمود. او در جواب این سؤال که از کجا می‌داند فال بین قصد تجاوز به همسرش را داشته است؛ جواب داد خانمم با همسایه‌ها صحبت نموده و به آنان گفته است شخصی بنام سید علی موسوی، روی چند تکه کاغذ چیزهایی نوشته و به او داده اند که یکی از آنها را سوزانده و دیگری را آب زده و خورده و از حال رفته است و در این بین رمال او را لخت نموده است. همچنین متوفا در مورد انگیزه خود به همسر برادرش گفته بود، دعانویس چیزی به من داده خوردم و بی حس شدم و او حرکات شنیعی با من انجام داد و من از این بابت ناراحت هستم. در ساعت ۱۲ روز ۱۹/۱/۶۱ متهم در حالی که قصد فرار داشت زمین خورده و از ناحیه میچ پا مجروح شده بود، دستگیر شد. او که ۷۵ الی ۸۰ ساله، اهل شیراز و ساکن تهران بود، با اشاره به سن و سالش گفته‌های فرزند متوفا را تکذیب کرد و اظهار داشت من اصلاً داخل اطاق نرفته و با زن، تنها نماندم، بلکه در راهرو نشسته بودم. سؤال شد چرا برای او دعا نوشتی،

پاسخ داد برای اینکه او گفت حالم پریشان است، یک دعا بنویس و بمن بده تا حالم خوب شود. متهم بنا به اظهار خودش، آلات و ادوات دعانویسی را از یک زن کولی به قیمت ۱۰ تومان خریده بود

در خصوص اختلال روانی متوفی، پزشکی قانونی اعلام کرد با توجه به نسخ دارویی، او دچار ناراحتی روانی از نوع افسردگی و اضطراب بوده است. پس از پایان تحقیقات، نظریه بازپرس به این شرح اعلام شد: در تحقیقات انجام شده بوسیله اداره آگاهی و با کسب نظر پزشک قانونی، علت مرگ متوفی در اثر بیماری خاص نبوده بلکه خانم شکوفه رضادوست در اثر خود سوزی از بین رفته است و از نظر روانی نیز بیمار بوده است، شاکی در جریان تحقیقات از شکایت خود علیه سید علی، اعلام گذشت نمود. علیها در خصوص ادعای شاکی مبنی بر خوراندن سم و یا تجاوز دلیلی در دست نیست. در مورد اخذی از عیال شاکی و کلاهبرداری، با توجه به محتویات پرونده، بزهکاری وی محرز است و قرار مجرمیتش صادر و اعلام می گردد (شمسا، ۱۳۶۳: ۱۱۵-۱۱۳). در مورد پرونده مورد نظر نیز باید اشاره نمود که آقای سید علی موسوی با آلات و ادواتی مانند استخوان و یک تکه کفن و یک تکه از تابوت و قفل اقدام به فریب دادن و اخذ مال از خانم شکوفه رضا دوست نموده است که در ماده قانونی کلاهبرداری به آن اشاره گردیده است.

۲-۴ عنصر مادی کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

در حقوق جزای امروز، تحقق مسئولیت کیفری منوط به آن است که پندار زشت و ناپسند ظهور خارجی پیدا نماید، لذا اندیشه بدی که در ضمیر انسان پنهان باشد قابل مجازات نمی باشد، حتی اگر انسان به نیت مجرمانه خود اقرار نماید. در جرم کلاهبرداری مرتکب باید فعل مثبت انجام دهد و ترک فعل حتی اگر توأم با سوء نیت باشد و موجب اغفال و فریب طرف مقابل و ورود ضرر به او شود، کلاهبرداری محسوب نمی گردد. به عنوان مثال اگر مراجعه کننده به یک اداره دولتی به تصور اینکه آقای «الف» مسئول دریافت وجوه مربوط به امری است، وجهی به وی پرداخت کند و «الف» نداشتن سمت را متذکر نشود و وجه را دریافت نماید نمی توان «الف» را کلاهبردار دانست هم چنین ارتکاب فعل به تنهایی کافی نیست، بلکه افعال مرتکب باید باعث اغفال مخاطب آن شود مانند اینکه او را مغرور کند، افعال کند، بترساند و یا امیدوار کند. پس برای ارتکاب جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه مانند جادوگری و... باید مخاطب آن مورد اغفال قرار گیرد بعنوان مثال برای اغفال شاکی و توسل به وسایل متقلبان می توان به رأی شماره ۳۷ دیوان عالی کشور در دادنامه ۱۸۱۹/۱۸/۱۰/۷۰ اشاره نمود:

خلاصه پرونده: در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۹ آقای «الف» به دادرسی عمومی اعلام نموده که «ب» و چند زن دیگر همسرش به نام «ج» را اغوا کرده و مقادیری وجه نقد و اموال و اثاثیه متعلق به او را به نحو متقلبانه برده و حیف و میل کرده اند. شاکی در تحقیقات مقدماتی اظهار داشت همسرش به جادوگری اعتقاد داشته و از طریق بانویی به نام «د» به «ب» معرفی شده و مشتی عنها با اغفال همسر کلیه لوازم و اثاثیه منزل را از خانه ام خارج کرده و مبالغی پول هم از همسر گرفته است. همچنین خانم «د» اعلام نموده که با نیشان به خانه زنی به نام «ب» جهت جام نشینی رفته و مبلغ پنج هزار پول به «ب» پرداخته است. متهمه اجمالا اقرار به اعمال انتسابی نموده و آقای دادیار تحقیق داسرای .. با انجام تحقیقاتی از شاکی و متهمه و چند نفر دیگر نهایتاً در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۹ قرار مجرمیت «ب» را به اتهام کلاهبرداری صادر نموده که به موافقت دادرسی رسیده و در موارد سایر اعلامات نیز قرار منع تعقیب صادر کرده است. با تنظیم کیفرخواست شماره ۲۵۶۳ / ۳۰ / ۷ / ۶۹ به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس درخواست مجازات متهم شده است دادگاه به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری «ب» را به تحمل یک سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ شانزده میلیون و یکصد هزار ریال جزای نقدی معادل مورد کلاهبرداری محکوم نموده است (بازگیر، ۱۳۷۶: رأی ۳۷، ۱۸۱۹/۱۸/۱۰/۷۰، صادره از دادگاه کیفری یک).

۳-۴ متقلبانه بودن وسیله مورد استفاده در کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

عبارت «هر کس از راه حیله و تقلب» فریب دادن مردم به وجود شرکتها یا تجارتخانه ها یا کارخانه یا مؤسسات موهوم و یا به داشتن اموال و اختیارات واهی یا ترساندن آنها از حوادث و پیش آمدهای غیرواقع با اتخاذ اسم و عنوان محصول و غیره باید مسبوق به حیله و تقلب و متضمن یک سلسله صحنه سازی ها و مانورهای متقلبانه باشد، کلاهبردار با توسل به وسیله متقلبانه و صحنه سازی و مانور متقلبانه امری را واقعی وانمود می کند و مالباخته را به واقعی بودن ادعای خود متقاعد می کند بعنوان مثال:

در اعلام شکایت شخصی بنام علی قره باقری در سال جاری از دو نفر به اسامی سید یدالله مغربی و محمد نوری که خود را جادو گر و رمال و از این قبیل خواندند مأمورین کمیته انقلاب منطقه ۱۳، اقدام به جلب ایشان نمودند. این دو نفر که هر دو بی سواد بودند به شاکی اظهار داشته بودند که او جادو شده است و یکی از جادوها را در قبر و دیگری را در حیاط دفن کرده اند و آنگاه بمنظور دفع جادو طی چند فقره صحنه سازی، مبالغی از وی اخذی نمودند. در جریان بازجویی، متهمین اقرار بجرم نمودند و سید یدالله مغربی اظهار داشت مدت ۷

سال در زمان تیمسار بختیار بجرم قتل زندانی و ۱۸ ماه در برازجان تبعید بودم و مدت ۳۰ سال است که شغلم رمالی و جادوگری می باشد و از این راه زندگی خود را تأمین می کنم و از این مدت، ۲۰ سال است که با محمد نوری در جریان فروش دعا و کلاهبرداری شریک هستم و در جریان اخاذی مبلغ ۱۰۷۳۰ ریال از آقای قره باقری نیز با محمد نوری شریک بودم و در منزل وی اقدام به صحنه پردازی می نمودیم. محمد نوری نیز اظهاراتی از این قبیل بیان داشت و اعلام نمود بعلت بیکاری از این طریق امرار معاش می کند. دادگاه با انطباق مورد به ماده ۳ آیین نامه امور خلاق (بند ۱۸) و با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی، هر یک از متهمین را به دو هزار ریال جزای نقدی محکوم کرد (پرونده کلاسه ۶۱/۱۴/۳۰۵ شعبه ۱۴ دادگاه صلح تهران). با توجه به مثال مذکور می توان به استفاده از حيله و تقلب و صحنه سازی اشاره نمود که در این کلاهبرداری آقای سید یدالله و محمد نوری با استفاده از عنوان جعلی جادو گر و رمال و با استفاده از صحنه سازی آقای قره باقری را فریب داده و از او اخاذی نموده اند زیرا مالباخته را به واقعی بودن ادعای خود متقاعد می نمایند. با توجه به این که احصای وسایل تقلبی ممکن نمی باشد، قانون گذار مصادیق مشهور و متداول در زمان وضع قانون را نام برده است و با آوردن عبارت «وسایل تقلبی دیگر» مصادیق جدید را نیز مشمول این حکم قرار داده است. وسایل پیش بینی شده در قانون، دو نوع معین و نامعین است. منظور از وسایل متقلبانیه معین، به کار بردن اسم و عنوان غیر واقعی در کلاهبرداری ساده و عنوان و سمت معمولی مأموریت از طرف ارگان های دولتی و قوای سه گانه در کلاهبرداری مشدد است اختیار هر یک از وسایل متقلبانیه مذکور، به تنهایی و مستقل از هر مانور دیگری به شرط اغفال مخاطب و تسلیم مال از سوی او، جرم را محقق می سازد. بدیهی است که کار برد وسایل مذکور نباید به شیوه ای باشد که خلاف واقع بودن آنها به راحتی قابل تشخیص باشد و هر فرد معمولی به آسانی بی اساس بودن آن را درک نماید، و منظور از مسائل و مسائل متقلبانیه نامعین که غالب وسائلی که در کلاهبرداری از طریق علوم غریبه نیز از این نوع است مانورهای متقلبانیه می باشد و قانونگذار بدون ارائه ی تعریف، مصادیق مشهور این مانورها را از باب تمثیل بیان کرده است. مانور متقلبانیه ترکیب اعمال خارجی و اسباب چینی همراه با مهارت خاصی است که «حیله ماهرانه» نیز نامیده شده و آن اقدامات نمایشی است که به قصد شکل مادی دادن به فریب صورت می گیرد، تا به امور خلاف واقع، ظاهری واقعی بپوشاند. برای تحقق مانور متقلبانیه نیز اقدامات مثبت لازم می باشد و مجرد دروغ، ترک فعل، سکوت و امتناع از بیان واقعیت کافی نیست.

۴-۴ عنصر معنوی کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

سومین عنصر مورد نیاز برای تشکیل این جرم عنصر روانی می باشد که در آن مرتکب رفتاری را که طبق قانون جرم شناخته شده با «قصد مجرمانه» انجام داده و یا آنکه در انجام آن رفتار واجد «خیبط و تقصیر کیفی» است. به بیان دیگر، عنصر معنوی رابطه روانی بین مجرم و رفتار ارتكابی است. لذا از عبارت «هر کس از راه حيله و تقلب و...» در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، بیان کننده عنصر روانی جرم کلاهبرداری می باشد مانند وسائلی که در مثال اول ذکر گردید. مانند قفل و تکه ی کفن و تکه ی تابوت و... که افراد مذکور این وسایل متقلبانیه را با سوء نیت و قصد اخاذی و فریب مخاطب خود مورد استفاده قرار می دهند و از تقلبی بودن وسیله جرم نتیجه می گیریم که کلاهبرداری از جرائم عمدی است و از خطا و سهل انگاری ناشی نمی شود. برای تحقق جرم مذکور، افزون بر سوء نیت عام (قصد توسل به وسایل متقلبانیه) باید سوء نیت خاص (قصد بردن مال غیر) هم وجود داشته باشد، کلاهبردار عالم به تقلبی بودن وسیله باشد و متهم از تقلبی بودن آن اطلاع نداشته باشد، مانند مثال اول، در صورت فقد قصد جرم عمدی نخواهد بود (عبدالله پور حسینی یحیی پور، ۱۳۹۲: ۲۵).

۴-۵ شروع به جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

قانونگذار در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، بیان نموده است:

« هر کس قصد ارتكاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح

زیر مجازات می شود...»

بنابراین با ملاحظه ماده فوق در می یابیم که در واقع شروع به جرم، اجرای مقدمات اولیه به منظور حصول نتیجه مجرمانه است که به لحاظ بروز دخالت مانع بیرونی و خارج از اراده مرتکب، نتیجه مجرمانه محقق نشده است و به عبارت ساده تر دخالت مانع خارجی سبب جلوگیری از وقوع جرم تام می گردد. با این حال توجه به چند نکته ضروری است اول اینکه اقدامات اولیه بعمل آمده صرف نظر از اینکه نتیجه مجرمانه آن حاصل نشده است خود جرم می باشد. دوم آنکه مرتکب برای شروع به جرم در صورتی مستحق مجازات است که قانونگذار در خصوص همان جرم مجازات شروع به جرم را نیز به طور جداگانه پیش بینی نموده باشد.

بر این اساس مقنن در خصوص شروع به جرم کلاهبرداری در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۲۸ و تایید ۱۳۶۴/۹ / ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی چنین مقرر داشته است: «مجازات

شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود. مستخدمین دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم طراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند. با ملاحظه توضیحات بالا، شروع به جرم کلاهبرداری را به طور ساده می توان بدین صورت تعریف کرد: «توسل به وسائل متقلبانه برای بردن مال غیر» با این توضیح که چون جرم کلاهبرداری از جمله جرائم مقید به حصول (نتیجه بردن مال) می باشد، پس بنابه تعریف بالا چنانچه مرتکب پس از انجام مانور متقلبانه و بکار بردن حيله و تقلب که البته با قصد بردن مال نیز آن اقدامات صورت گرفته، اما نتیجه مجرمانه (بردن مال حاصل نشود)، چنین عملی مشمول عنوان مجرمانه شروع به کلاهبرداری نخواهد بود بعنوان مثال اگر رمال یا طالع بین و ... با توسل وسائل متقلبانه قصد فریب دادن مخاطب خود را داشته باشند تا از او اخاذی نمایند ولی به هر دلیلی نتیجه حاصل نشود چنین عمل رمال یا طالع بین و مشمول عنوان مجرمانه شروع به جرم کلاهبرداری نخواهد بود و بنابه حکم، شروع به جرم کلاهبرداری محکوم خواهد شد.

۴-۶ صدور قرار بازداشت مرتکب جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

به موجب ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری^۱:

«در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره های آن هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بر وی ادامه خواهد یافت مشروط بر اینکه مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید...ج-جرائم سرقت، کلاهبرداری ... در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتكاب هر یک از جرائم مذکور را داشته باشد...» از سوی دیگر با توجه به ماده ۳۲ قانون فوق الذکر چنین مقرر گردیده است: «در موارد زیر هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است...»

(ب) جرائم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد...»

بر این اساس با توجه به ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در خصوص کلاهبرداری^۲ از طریق تشکیل یا رهبری شبکه کلاهبرداری که حداقل مجازات آن ۱۵ سال حبس می باشد بالطبع صدور قرار بازداشت موقت در خصوص چنین افرادی بنابه صلاحدید دادگاه نیز جایز می باشد.

همچنین در ماده ۳۵ آیین نامه دادرسی و دادگاه های ویژه روحانیت نیز چنین آمده است: «در موارد ذیل قرار بازداشت صادر می-

گردد:

« موارد مهمه از قبیل: جرائم ضد انقلابی، مواد مخدر، کلاهبرداری...» (نقل از روزنامه‌ی رسمی شماره ۱۳۲۸۰ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۵).

۴-۷ غیر قابل گذشت بودن جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

جرم کلاهبرداری در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی، در زمره‌ی جرائم عمومی قلمداد شده بود. پس از پیروی انقلاب، مجلس شورای اسلامی در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) اشاره‌ای به این موضوع ننموده و همین امر سبب گردید تا هر یک از محاکم و یا حتی اداره حقوقی قوه قضائیه نظرات متعددی و حتی متعارضی در این خصوص بیان نمایند مانند شعب دوم و چهارم دیوان عالی کشور در پرونده های کیفری راجع به انتقال مال غیر و استنباط از ماده اول قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۵ فروردین ماه ۱۳۰۸ و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب آذر ماه ۱۳۶۷ رویه های مختلف اتخاذ نموده اند لذا طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور برای ایجاد رویه واحد ضروری به نظر می رسد پرونده های مذکور و آراء مربوطه به این شرح است:

^۱ این قانون طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در جلسه‌ی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی تصویب و در جلسه علمی روز یکشنبه ۱۳۷۸/۱/۲۲ به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است.

^۲ ماده‌ی ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی: «کسانیکه با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند بنفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال وانفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتیکه مصداق مفسد فی‌الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی‌الارض خواهد بود.»

۱- به حکایت پرونده^۱ ۱۳/ ۲ / ۴۴۳۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور شخصی به نام مرتضی به اتهام انتقال مال غیر تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و پرونده با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری ۲ فلاورجان ارجاع شده است. دادگاه مذکور به این استدلال که مورد از موارد کلاهبرداری و مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری است، به اعتبار صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار عدم صلاحیت صادر کرده و پرونده را به دادگاه کیفری یک اصفهان ارسال کرده است. شعبه ۲۱ دادگاه کیفری یک اصفهان چنین استدلال نموده که جرم انتقال مال غیر صادر نموده است « نظر به محتویات پرونده و اینکه حسب عموماًت قانون و موازین فقهی با وجود قانون خاص تمسک به قانون عام موجه نیست با تأیید استدلال و قرار صادره از سوی شعبه ۲۱ دادگاه کیفری یک اصفهان و نیز تأیید صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری ۲ فلاورجان حل اختلاف می شود.».

۲- به حکایت پرونده ۱۶/ ۴ / ۴۳۶۳ شعبه چهارم دیوان عالی کشور دو نفر به اتهام فروش مال غیر مورد تعقیب کیفری دادسرای عمومی کاشان واقع شده اند و پرونده با تنظیم کیفرخواست بر طبق ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر در دادگاه کیفری ۲ کاشان مطرح گردیده است دادگاه مذکور با توجه به قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری رسیدگی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک تشخیص و قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک اصفهان فرستاده است. دادگاه کیفری یک اصفهان به این استدلال که مورد مشمول قانون خاص (قانون راجع به انتقال مال غیر) می باشد و اینگونه اختلافات هیچگونه ارتباطی با ماده واحده قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ندارد قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه کیفری ۲ صادر نموده و بر اثر اختلاف در امر صلاحیت پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شده و شعبه چهارم دیوان عالی کشور رأی شماره ۱۶۱۹/ ۴- ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۷۲ را به این شرح صادر کرده است: « استدلال دادگاه کیفری ۲ موجه است مجازات کلاهبرداری با قانون ۱۳۰۸ انتقال مال غیر را کلاهبرداری محسوب کرده است لذا با تعیین صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری ۲ تشخیص نموده است.» تا اینکه در نهایت هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۲- ۱۳۶۳/۱۱/۱ به این اختلاف نظرات پایان داد. و جرم کلاهبرداری را عمومی و غیرقابل گذشت قلمداد نمود به این شرح که « چون شیوع جرم کلاهبرداری، موضوع ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در رابطه با حقوق عمومی و نظم و امنیت جامعه و آسایش عامه دارای چنان اثر عمیق نامطلوب و فزاینده ای است که ایجاب می نماید اعم از اینکه شاکیان یا مدعیان خصوصی درخواست تعقیب و اقامه دعوی کرده یا نکرده با سند دادستان خود مرتکبین آن را تعقیب و به کیفر برساند و این امر مستلزم آن است که تعقیب و مجازات مرتکبین چنین جرمی صرفاً مبتنی بر تقاضای صاحبان حق یا قائم مقام قانونی آنان نباشد تا با استرداد شکایت و دعوی از طرف ایشان تعقیب کیفری و مجازات موقوف گردد و قوانین و مقررات کیفری مربوطه هم منافاتی با این امر ندارد، فلذا محکومین این جرم که از انواع جرایم قابل گذشت بشمار نمی آید می توانند با اجازه ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب مرداد ماه ۱۳۵۶^۲ مستنداً به استرداد شکایت و دعوی از طرف شاکیان و مدعیان خصوصی از دادگاه که حکم قطعی را صادر کرده درخواست کنند که دادگاه در میزان مجازات آنان تجدید نظر نموده و در صورت اقتضاء کیفر آنان را در حدود قانون تخفیف دهد... این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.».

بنابراین باید گفت که به هر نحوی که وقوع کلاهبرداری محرز گردد، هر چند به صورت کلاهبرداری از طریق علوم غریبه، اعم از اینکه داسرا یا ضابطین دادگستری آن را تحت تعقیب قرار دهند و یا بر اساس شکایت شاکی خصوصی این امر هویدا شود، در این صورت گذشت شاکی چه قبل از تعقیب و چه بعد از تعقیب نباید موجب موقوف شدن پیگیری قضایی و کیفری علیه متهم گردد.

۴-۸ آثار جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

مجازات اولین اثر محکومیت به کلاهبرداری می باشد که هم در جرم تام و هم در شروع به کلاهبرداری پیش بینی شده است. از نظر مجازات، کلاهبرداری به ساده و مشدد تقسیم می شود. کلاهبرداری مشدد، واجد شرایط اضافه ای است علاوه بر مجازات اصلی، برای هر یک از انواع کلاهبرداری به اقتضای میزان مجازات، با توجه به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۹۲ نیز مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده است. همچنین دادگاه می تواند به موجب ماده ۲۶ همان قانون محکومان را از بعضی حقوق اجتماعی محروم کند.

^۱ توجه شود که در حال حاضر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی جایگزین ماده‌ی ۱۱۶ قانون تعزیرات گردیده است.

^۲ لازم به ذکر است که در حال حاضر این موضوع برابر ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ اعمال می‌گردد.

۴-۸-۱ مجازات اصلی کلاهبرداری از طریق علوم غریبه

الف - کلاهبرداری ساده (مجازات کلاهبرداری ساده از طریق علوم غریبه)

به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات اصلی کلاهبرداری ساده یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی معادل مال مأخوذ است. هر دو مجازات قطعی و اصلی است و دادگاه نمی تواند فقط به یکی از آنها حکم کند. در مقایسه این ماده با ماده ۱۱۶ ق.ت. جزای نقدی جانشین ضربه شلاق شده و میزان حبس نیز افزایش یافته و به طور کلی مجازات تشدید شده است لذا اگر کسی از طریق علوم غریبه اقدام به کلاهبرداری نماید اگر کلاهبرداری او از نوع مشدد نباشد به یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی معادل مال مأخوذه محکوم خواهد شد (حبیبزاده، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

۴-۸-۲ مجازات کلاهبرداری توأم با عوامل مشدده از طریق علوم غریبه.

تشدید مجازات در کلاهبرداری، آن را از زمره جرایم تعزیری خارج نمی نماید. بنابراین، منظور از تشدید در این جرم، تشدید میزان مجازات تعزیری می باشد و مانند سرقت نیست که جرم را از نوع تعزیری به جرم مستوجب حد تبدیل کند. علل تشدید مجازات در قسمت دوم ماده یک قانون تشدید بیان شده است. بر اساس ماده مذکور، کلاهبرداری در صورت وجود شرایط آتی مشدد خواهد بود.

۱- تشدید مجازات بدون ملاحظه شغل

به موجب قسمت دوم ماده یک قانون تشدید (در صورتی که شخصی مرتکب بر خلاف واقع)، عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکتهای دولتی یا شوراها یا نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی را اتخاذ کرده باشد، علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود...».

در مقایسه با کلاهبرداری ساده، مجازات مذکور از دو نظر تشدید گردیده است:

الف) از نظر افزایش حداقل و حداکثر میزان حبس

ب) از نظر حکم به انفصال ابد از خدمات دولتی

قانون تشدید در مقایسه با ماده ۱۱۶ ق.ت. از حیث تعمیم دادن مأمور دولت به خدمت عمومی حوزه وسیع تری را شامل می شود به ویژه اینکه بر اساس ماده ۸ قانون تشدید « کلیه دستگاههایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون خواهد بود...» بعنوان مثال اگر کسی برای جلب محبوبیت بیشتر و اعتماد مردم به آن خود را با عنوان مسئول یکی از سازمانهای مذهبی معرفی نماید و اقدام به کلاهبرداری از طریق یکی از راه های علوم غریبه نماید مرتکب علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می گردد.

۲- تشدید مجازات با ملاحظه شغل

بر اساس آخرین قسمت از ماده یک قانون تشدید «... اگر مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و یا سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها با نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد.» به همان مجازات یعنی دو تا ده سال حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده، محکوم می شود. منظور از کارمند و صاحب منصب دولت، فردی می باشد که به موجب قوانین استخدام کشوری، نظامی، قضایی، سیاسی و آموزشی انتخاب و استخدام شده، به امور مربوط به حاکمیت یا تصدی دولت گمارده شود و شامل کلیه وزراء، معاونان، افراد و درجه داران و افسران نیروهای نظامی و انتظامی، قضاوت و سایر کارمندان سیاسی و اداری و نیز وزارتخانه ها و بنگاه ها و شرکت های وابسته به دولت می گردد و حتی شامل کارمندان مؤسساتی که دارای قانون استخدام خاص هستند، همانند دانشگاه ها هم خواهد شد. نکته حائز اهمیت این است که باید کارمند دولت، در حین انجام دادن وظیفه و یا به سبب انجام دادن وظیفه مرتکب کلاهبرداری گردد و إلا عملش کلاهبرداری ساده است. تشدید مجازات در این حالت به دلیل امتیازی است که مرتکب بر اثر داشتن شغلی خاص، از آن بهره برداری کرده است و الا کارمند بودن علت تشدید نیست. بعنوان مثال اگر معلم مدرسه در کلاس درسی خود با استفاده از وسائل متقلبانه اقدام به فالگیری یا طالع بینی از دانش آموزان را اغفال نماید و مبالغی از آنها در مقابل عمل خود اخذ کند. محکوم به مجازات اشد جرم کلاهبرداری خواهد شد. اما اگر مرتکب بعد از زمان مدرسه و در زمانی که در حال خدمت نباشد اقدام به این امر نماید شامل مجازات ساده جرم کلاهبرداری خواهد شد (سلیمان پور، ۱۳۴۱: ۱۳۱).

۳- تشدید مجازات به اعتبار نوع وسیله

به موجب قسمت اخیر ماده ۱ قانون تشدید هرگاه جرم کلاهبرداری با استفاده از تبلیغ عامه و از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله و یا نطق در گردهمایی ها یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گیرد از مصادیق کلاهبرداری مشدد می باشد.

از نظر اصولی، رسانه های گروهی به خودی خود وسیله متقلبانه نیستند و وسایلی عادی محسوب می گردند؛ اما کلاهبردار با بیان مطالب غیر واقعی از طریق آنها دیگران را اغفال می کند. بنابراین متقلبانه بودن در اینجا به فعل مرتکب مربوط است که عبارت از بیان و اظهار شفاهی و یا کتبی غیر واقعی است. استفاده از رسانه های گروهی تأثیری در ماهیت جرم ندارد بلکه فقط موجب تشدید مجازات می شود. به عنوان مثال:

بنا بر گزارش خبرگزاری ایسنا رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری زنی که با راه اندازی وبلاگی برای بخت گشایی و جلب توجه اقدام به کلاهبرداری میلیونی از شهروندان کرده بود خبر داد در تاریخ ۱۳۹۵ / ۲ / ۹ با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع کلاهبرداری و به دستور دادیار شعبه سوم دادسرای ناحیه یک تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و زن و شوهر جوان شاکی پرونده بعد از حضور در پایگاه در اظهارات خود گفتند: از طریق اینترنت، با وبلاگ خانمی به نام استاد مرسانا ارژینا آشنا شدیم، او در سایت خود ادعا نموده بود که با طلسم و جادو می تواند مشکلات افراد را مرتفع کند و مخاطبان می توانند برای حل مشکل خانوادگی خود از طریق تماس با شماره مندرج در داخل وبلاگ با این خانم تماس بگیرند. ما هم با او تماس گرفتیم و او گفت که در قبال دریافت مبالغی می تواند با جادو و طلسم مشکلات ما را حل کند.

زن و شوهر جوان در ادامه اظهارات خود به کارآگاهان بیان داشتند: با این انگیزه و اطمینان برای خرید طلسم و جادو اعلام آمادگی کرده و این فرد در مرحله اول با دریافت دو میلیون تومان، صفحه ای فلزی منقوش با تعدادی اشکال و نقوش نامفهوم را از طریق پیک برای ما ارسال کرد و سپس مرسانا ارژینا طی تماس تلفنی گفت که این صفحه را در منزل خود نگهداری کنیم تا گرفتاری هایمان بر طرف شود. مدتی بعد بعلت عدم حصول نتیجه، طی تماس با خانم مرسانا ارژینا، وی درخواست مبالغ دیگری برای طلسم های تکمیلی کرد و در قبال دریافت مبلغ ۷ میلیون تومان هر بار اشیاء متفاوتی اعم از پارچه حاوی جملات نامفهوم، مایعات و مواد مختلف از طریق پیک برای ما ارسال می کرد اما سرانجام هنگامی که هیچکدام از مشکلات ما با این طلسم و جادو ها بر طرف نشد، به این خانم اعتراض کرده اما او ضمن فحاشی دیگر پاسخگوی تماسهای تلفنی ما نشد. با آغاز رسیدگی به پرونده و با بررسی محتویات داخل وبلاگ مشخص شد که خانم مرسانا ارژینا با تبلیغات اعم از طلسم جذابیت و جلب توجه، طلسم بخت گشا و کار گشا، طلسم عشق و محبت، باطل کردن سحر و زبانه بند و رفع گرفتاریها و مشکل اقدام به کلاهبرداری از دو شاکی پرونده و تعداد دیگری از شهروندان کرده است با توجه به مثال مذکور از آنجا که خانم مرسانا ارژینا با استفاده از رسانه های کلاهبرداری کرده است مجازات آن اشد مجازات کلاهبرداری خواهد بود.

نتیجه گیری

امروزه رمالان اینترنتی با درج مطالبی مانند حل مشکلات خانوادگی و زناشویی، مشکلات مالی، نوشتن دعا برای خوشبختی و پیشگویی آینده در کانالها و گروههای مختلف، با ترغیب مردم به گرفتن فال و دعانویسی، از آنها درخواست پول می کنند؛ اما هدف اصلی آنها کلاهبرداری از مردم است. با توجه به پژوهش باید گفت، رمالی سنتی و مجازی با هم فرقی ندارند و در هر دو حال متهم مرتکب انجام جرم شده است. از این رو هرکس فردی را با وعده واهی به موضوعی امیدوار یا از امری واهی بترساند و از این طریق از او پول یا امکانات خاصی دریافت کند مرتکب کلاهبرداری شده و مطابق قانون مجازات خواهد شد. باید گفت چنانچه استفاده از این علوم منجر به بردن مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه شود تحت عنوان جرم کلاهبرداری بر اساس ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری سال ۶۷ قابل محاکمه می باشد.

منابع و مراجع

- [۱] باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات میزان
- [۲] بازگیری، یداله (۱۳۷۶)، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در آرای دیوان عالی کشور، تهران: نشر دادگستر
- [۳] بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱)، ضمان قهری "مسئولیت مدنی": با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- [۴] تهنوی، محمدعلی (۱۹۶۷ م)، کشف اصطلاحات الفنون، تهران: مکتبه خیام و شرکاء
- [۵] حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۸۹)، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت، تهران: نشر دادگستر
- [۶] ذهنی تهرانی، محمد جواد (۱۳۶۴)، تشریح المقاصد شرح رسائل، قم: نشر حاذق
- [۷] ذهنی تهرانی، محمد جواد (۱۳۷۳)، کفایه الرمل، قم: انتشارات وجدانی
- [۸] سلیمان پور، محمد (۱۳۴۱)، جعل اسناد در حقوق ایران، تهران: کتابخانه گنج دانش
- [۹] شمسآ، شهرزاد (۱۳۶۳)، جادو و جادوگری در رابطه با حقوق جزا، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
- [۱۰] شیرازی، سیدمحمد (۱۳۶۷)، ایصال الطالب الی المكاسب، تهران: منشورات اعلمی
- [۱۱] صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت
- [۱۲] عبدالله پور حسینی یحیی پور، اکرم (۱۳۹۲)، کلاهبرداری و ارکان تشکیل دهنده‌ی آن، ماهنامه حقوقی- فرهنگی دادرسی، شماره ۱۰۰
- [۱۳] فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۷)، مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- [۱۴] مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۵)، انوارالفقاهه، مطبوعاتی هدف